



## پیمان، میعاد با شاعران تاجیک

فاطمه راکمی



هیئت تحریریه  
مؤمن قناعت و عسکر حکیم  
«پیمان» (گزیده اشعار شعراء تاجیک)  
دوشنبه انتشارات «ادب» اوت ۱۹۹۲

اخیراً پیمان (گزیده اشعار شعراء تاجیک) توسط انتشارات ادیب در شهر دوشنبه چاپ و منتشر شده است. عشق و علاقه تاجیکان به زبان فارسی، و نیز به ایران اسلامی، به جهات مختلف تاریخی، مذهبی، فرهنگی و ادبی، و تلاش عاشقانه آنان در عرصه شعر و ادب فارسی ما را بر آن داشت تا با بررسی گزیده اشعار شعراء تاجیک، نقدی هر چند اجمالی، ولی نه ز سر تفتن - بر آن بنگاریم؛ هر چند نقد دقیق و اساسی این مجموعه، بی تردید مستلزم صرف وقت و دقت بیشتری است.

قبل از آنکه به نقد اشعار، بر مبنای جوهر شعری آنها بپردازیم، لازم است ابتدا نظری به برخی تفاوت‌های بارز دستوری، واژگانی و غیره بین زبان فارسی معیار امروز در ایران اسلامی و زبان تاجیکی، بیندازیم، بی آنکه هیچ گونه توضیح یا تجویزی برای همگونسازی زبانی فارسی گویان ایران و تاجیک داشته باشیم.

نوادری که ذکر خواهد شد، نتیجه مروری است بر اشعار بیش از نیمی از مجموعه. به خاطر کمبود وقت، امکان مطالعه کامل آن وجود نداشت. امید است در فرصتی دیگر، امکان مطالعه آن به نحو مطلوب فراهم آید. ضمناً چون در این مجموعه برخی غلط‌های چاپی وجود دارد، در مورد ذکر واژه‌ها، اصطلاحات و ساختهای متفاوت، با احتیاط عمل شده است و فقط به ذکر آن دست از آنها برداشته‌ایم که چند بار به همان صورت تکرار شده یا از جهاتی دیگر اطمینان کافی برای ذکر آنها به آن شکل وجود داشته است. واژگانی که بررسی شده‌اند از این قرارند:

۱- واژه‌های بسیط تاجیکی نامأنوس برای سخنگویان فارسی معیار امروز در ایران:

انچر، نفس، برار، جوف، قصب، کرته، شرشره، غرام، غزک، شرمه، نوده، شدة، تیر، غفس، شخشول، پکته، له، آبیله، اسپ، تاره، ناوه، شرفه، نوله، بون.

تسلیم شده است. در اینجا از خواننده خواسته می‌شود تا با منتقدینی که معتقدند پایان داستان مبهم است، به بحث پردازد. حال آنکه بسیاری عقیده دارند که پایان آن به طرز متقاعد کننده‌ای مربوط به مسائل تمامی انسانهاست که بویژه زنان که باید عهده‌دار مسوولیت‌های زندگی شود، حتی اگر مجبور شوند نقش‌های مستی خود را قربانی سازند. به هر حال بهتر است همه مردم، اعم از زن و مرد، نتیجه داستان را با خوشبینی تلقی کنند و بی‌جهت نیست که خود گوردیمر درباره المریقای جنوبی اظهار می‌دارد: «فقط خداوند می‌تواند ما را یاری دهد و ما فقط می‌توانیم امیدوار باشیم که همه چیز به حالت درست خود برمی‌گردد.»



البته مطمئناً با مراجعه به فرهنگهای واژگانی فارسی بسیاری از این واژه‌ها را خواهیم یافت؛ اما ذکر آنها در این فهرست از این نظر بوده است که در فارسی معیار امروز، این واژه‌ها جا افتاده و متداول نیستند.

#### ۲- واژه‌های ترکیبی و مرکب نامأنوس:

وزن، همپیر، دهگم، تلاطمگاه، پنبه شاه (احتمالاً به معنی پهلوان پنبه؟)، نورآفر، خونینه‌سر، گلخار، وطندار، خندانرخ، لعلگل، رهپایی، آهنستن، مهر- آغوش، گلپیز، سوزنگر، دانشگدا، بی‌ست، صنعت فروش، زبان‌آباد، خنده- ریز، خود شکوف، عدل کوری، کوچا کوچ، شباسب، متخلیازی.

همان‌طور که فهرست واژه‌های ترکیبی و مرکب تاجیکی نشان می‌دهد زبان فارسی دارای امکانات بالقوهٔ وسیعی برای واژه‌سازی است که شعرای تاجیک نیز به نوبه خود از این امکان حداکثر استفاده را کرده‌اند. برخی از این ترکیبات، بسیار زیبا و جاقفاده جلوه می‌کند.

#### ۳- افعال نامأنوس (بسیط و مرکب):

کافتن، فواره دماندن، گزک کردن، پس ماندن (به معنی عقب ماندن)، تغییر کردن (به معنی تغییر دادن) غنجیدن، مدهوش آمدن (به معنی مدهوش شدن) فرآوردن، آمد (به معنی آمدن)، غوتیدن، استاد (به معنی ایستادن)، فرآیدن، اوفتاندن (به معنی انداختن) می‌شتم (به معنی می‌نشستم)، سبزدن، افتیدن (به معنی افتادن).

#### ۴- ترکیبات و اصطلاحات نامأنوس:

تا به چندین (به معنی تا (به) چند)، سرعت تام، حسن رسا، بعد از که (به معنی بعد از اینکه (آنکه))، رفت و آ (به معنی رفت و آمد)، از جان عزیز بودن (عزیز تر از جان بودن)

#### ۵- ساختهای دستوری متفاوت:

الف- استفاده از ساختهای چون: «کیست فواره زخون دل عشاق دماند»، «باشد آن هم به کار می‌آید» یا «پرورده کسی شد به جهان با سخن راست گردد به رو عمر ابد زنده بیدار» بدون استفاده از «که» بعد از «کیست» و «باشد» و «کسی»، در حالی که در فارسی حتماً بعد از این کلمات در چنین بافتی «که» به کار می‌بریم؛ برای مثال، می‌گوییم: «کیست که فواره زخون دل عشاق می‌ماند» یا «باشد که آن هم به کار آید» یا «پرورده کسی که شد به جهان با سخن راست...».

ب- عدم استفاده از «که» در جملات موصولی: «من شعر اولین خود آن روز گفتم از دود جنگ، عالم بیدار، تیره بود» یا «من شعر اولین خود آن لحظه گفتم بودم به دست نامه مرگ برادرم» که بی‌شک فارسی زبانان ایرانی در ساختهای از این گونه، از «که» استفاده می‌کنند و جمله‌های بالا در فارسی امروز ما به صورت زیر بیان می‌شود:

«من شعر اولین خود (را) آن لحظه گفتم

که بسودم به دست نامه مرگ برادرم»  
یا «من شعر اولین خود آن روز گفتم

کز دود جنگ، عالم بیدار، تیره بود»

این قبیل موارد را نمی‌توان با دلایلی چون رعایت وزن و غیره توجیه کرد. ج- استفاده از پسوند «ان» برای جمع بستن واژه‌هایی که در فارسی امروز با «ها» جمع بسته می‌شوند:

خلقان (خلقها)، دستان (دستها)، سنگان (سنگها)، بیدان (بیدها) و عدم استفاده از پسوند «تر» (علامت صفت تفضیلی) برای صفت دوم، در جایی که دو صفت تفضیلی پشت سر هم می‌آیند:

«شیرپترولذید از تشنگ شکر است» یا «قیمت تر و عزیز از پند صادر است»

ه- برخی دیگر از ساختهای نامأنوس برای فارسی زبانان که مواردی از آنها را با ذکر معادلهای فارسی‌شان متذکر می‌شویم:

- آدم که به وی می‌نگرد، مست شود / آدم که به وی می‌نگرد، مست می‌شود یا آدم چون به وی بنگرد، مست شود

- مگر او عشق تو دارد که بدین حال رساند؟ / مگر او عشق تو دارد که بدین حال رسید؟ یا مگر او عشق تو را دارد که این عشق او را بدین حال رساند؟

- من وطن را بیش از هر روزه دارم دوستتر / من وطن را بیش از هر روز دوست می‌دارم

علاوه بر تفاوت‌های دستوری و واژگانی، به عنوان وجوه تمایز زبان تاجیکی با زبان فارسی معیار امروز ایران، که بیشتر، مربوط به ویژگیهای زبانی تاجیکی متأثر از مسائل تاریخی، اجتماعی و کاربردی است. در مجموعه اشعار شعرای تاجیک به مسائل دیگری برمی‌خوریم، مانند ناهماهنگیهای زبانی و نیز برخی اشکالات وزنی، که جنبه ادبی دارد و به ذکر مواردی از آنها می‌پردازیم:



#### ناهماهنگیهای زبانی:

- «آدم که به وی می‌نگرد، مست شود»

شکل هماهنگ جمله بالا از نظر زبانی، می‌تواند بدین صورت باشد: آدم که به او نگاه می‌کند مست می‌شود. به این معنی که بین واژه آدم و نگرستن، همگونی و هماهنگی وجود ندارد؛ یکی بسیار جا افتاده، متداولتر از دیگری است.

- «من خوب شناسم دل دیوانه خود را» که فرم «می‌شناسم» با بقیه جمله هماهنگی دارد، نه «شناسم».

- دریا صدا نموده و ما می‌صدا شدیم، که شکل دریا صدا کرد و ما می‌صدا شدیم، شکل بهنجار آن است.

مسائل و اشکالات وزنی فراوانی در اشعار به چشم می‌خورد، که به ذکر برخی از انواع مکرر آنها می‌پردازیم:

- ۱- در فارسی معیار امروزه در زبان شعر، معمولاً در یافته‌های از نوع ذیل، همزه تلفظ نمی‌شود:
  - جان ده و رد کن که سرافکنندگی در کار نیست.
  - من وطن را بیش از هر روزه دارم دوستتر
  - لب گزان، پنهان ز مردم، مهر آغوش آمده
  - قطره‌های اشک خونین تو است.



۲- تلفظ ناقص و بریدهٔ بعضی کلمات، بکرات در اشعار ملاحظه می‌شود:
 

- همراو مادران سرگهواره آله گوی (که آله به صورت آله (ale) و تلفظ می‌شود)

- لاکي شاهي در کمر دارد (ای) در «شاهی» بسیار کوتاه و در حد مصوت می‌تلفظ می‌شود.

- گرچه در پیشوری شوری محشریم (ای) در «پیشوری» تلفظ بریده دارد.
 

- نیست ملت را ز بس یکپارچگی (ای) در «یکپارچگی» بریده و ناقص تلفظ می‌شود.

- ای بنده خوش از بندگی پیغام دگر نیست (ای) در «بندگی» ناقص تلفظ می‌شود.

- چون درد آدمم گران ارزان گریستم (ای) در «گران» کوتاه تلفظ می‌شود.
 

- ۳- گاه کشش بیش از اندازه به برخی مصوتها داده می‌شود:

- تا آمد شمعۀ صبح بخت (ای) در صبح بیش از حد کشیده می‌شود.
 

- آتش زن بود که ما سوختیم و ساختیم (ای) در که بیش از حد کشیده می‌شود.

- همچو گنجشک در گلوی مار (ای)، در «گلوی» بیش از اندازه کشیده می‌شود.

۴- خارج شدن از وزن:

- اسی هنوز می‌دود و می‌دود هنوز  
 اسی که نیست پس از این جز آه در گذر  
 شیی است ابری و در من هوای پاران است  
 و باد که عمری غریب و سرسان است.



محتوا و پیام:

محتوای اشعار را بیشتر، مسائل اخلاقی و انسانی تشکیل می‌دهد. شعرهای زیادی نیز در مدح تاجیکان و در وصف و مدح وطن و در تم وطن‌فروشان است. موضوع برخی از شعرها عشق به پدر، مادر یا وصف طبیعت و سایر دوران کودکی است. جز یک شعر که برای حضرت مهدی (عج) سروده شده است در مدح ائمه شعری نمی‌بینیم. پاره‌ای از شعرها نیز صرفاً عاطفی است.



جوهر شعری:

شعرهای مجموعه، که اکثر در قالبهای کلاسیک ارائه شده است (هر چند در قالب شعر نو اشعاری به چشم می‌خورد) جز برخی موارد که به عنوان نمونه ذکر خواهد شد، بر اساس تقسیم‌بندی امروز از شعر و نظم، در جایگاه نظم قرار می‌گیرند و از دیدگاه فرمالیستی، ارزش شعری چندانی ندارند. از خیالپردازی، تصویرگری، کشف‌های تازه و بخصوص ایجاز و فشرده‌گویی، در این شعرها چندان اثری نیست. به نظر می‌رسد به خاطر عشق و علاقهٔ ملت تاجیک به زبان و ادبیات فارسی، و نیز استعداد بارز برخی از شاعران تاجیکی، آشنایی هر چه بیشتر آنان با دیدگاه‌های ادبی جدید و مطالعه آثار بزرگان معاصر شعر فارسی، آنان را در رسیدن به دروازه‌های شعر، به مفهوم واقعی آن، یاری خواهد کرد.

در پایان، گزیده‌هایی از اشعار پیمان (مجموعه شعر شاعران تاجیک) از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

برگها کف می‌فشارند، آب رحمت، ریز باز  
 گوهر هر قطره را در گوش گل آویز باز  
 با رگم پیوند کن شریان خود را ای بهار  
 در دل فرسودهٔ من، خون نوانگیز باز  
 سرغزاری کو دگر در این زمین زهر بار  
 تا بیاید ما شمع سبزهاش شیدیز باز  
 ناخفای کشتی ما را به توفان می‌بزد  
 فرصت از کف می‌رود باد برین، برعزیز باز

فرزانه

دل

ترا در نازکی از بزرگ گسلاها  
 به شور از موج دریا آفریدند  
 ترا با این همه سوز و گدازت  
 ز خاک قیس و لیل آفریدند  
 ترا در بردباری از دل گسوه  
 به پنهانی ز دنیا آفریدند

ترا با این بزرگی، ای دل، ای دل،  
چه سان در سینۀ ما آفریدند؟

غایب سفرزاده

### پند نیا

گر نداری پایی نان خلق، نانت می‌زند  
آتشک روزی به باغ سبز جانت می‌زند  
روزی غم خندی اگر، بشنیدم این را از پدر  
برقی غم آتش به عمر شادمانت می‌زند  
بگذری بی‌فرق گر از سیل چشم مردمان  
سیل روزی سر به پای خاندانت می‌زند  
تا ز روی حرص گیری لقمه‌ای را بر دهان  
مشت سنگین ملامت هر دهانت می‌زند  
تا پشازی با نگاه آسمانی در زمین  
سنگ، ای اختر، به چشم آسمانت می‌زند  
با فضیلتها نیارایی اگر نام کلان  
در پلاروزی ترا نام کلانت می‌زند  
تا بهار دل نداری، زندگی حقتناس  
از خیزان رنگی به روی ارغوانت می‌زند



حق نظر غائب



تسیده یسار تو در تار بودم، مهن، ای مهن!  
بود لبریز از عشقت وجودم، مهن، ای مهن!  
تو بودم کردی لژ نابودی و با مهر پروردی،  
فسدای نام تو بود و نبودم، مهن، ای مهن!  
به هر مجلس، به هر زندان، به هر شادی، به هر ماتم،  
به هر حالت که بودم با تو بودم، مهن، ای مهن!  
اگر مستم، اگر هشیار، اگر خوابم، اگر بیدار  
به سوی تو بود روی سجودم، مهن، ای مهن!  
به دشت دل گیاهی جز گلی رویت نمی‌روید  
من این زیبا زمین را آزمودم، مهن، ای مهن!

ابوالقاسم لاهوتی

### عربها

کتاب عربها تألیف گرهارد کسل من یکی از آثار پرتیراژ دهه‌های اخیر در آلمان بوده است. این کتاب در سال ۱۹۹۱ میلادی برای سیزدهمین بار انتشار یافت. به نظر ناشر کتاب، مؤلف آن تنها کسی است که توانسته روز شمار

اعجاب‌انگیز زندگی اعراب را بنگارد و ماجراها و مسائلی را تصویر کند. این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و هجده فصل است. مطالب تاریخی آن از زندگی پیامبر اسلام (ص) آغاز می‌شود و ضمن اشاره به حکومت‌های بزرگ اسلامی اعمار گذشته به عصر حاضر می‌رسد. اهم مطالب کتاب در رابطه با مسائل قرن حاضر اشاره به حکومت سعودیها، اشغال قدس توسط صهیونیستها، انقلاب مصر، تشکیل احزاب بعث در سوریه و عراق، جنبشهای اسلامی و ملی‌گرا در سرزمینهای عربی، نفت، جنگهای اعراب و اسرائیل و روابط اعراب با غرب دارد. نویسنده با نظری غربی و بورژوازی به ضعفها و مشکلات ففلی جهان عرب نگریسته و بدون آنکه با این مسائل نسبتی انسانی داشته باشد، به نتایج خاص خود رسیده است. وی با استفاده از یک تمثیل، اعراب را مقهور روح غرور و رفاه‌طلبی دانسته و تمامی اعمال رهبران کنونی جهان عرب را که به نام اسلام صورت گرفته، عین اهداف اسلامی دانسته است؛ چنانکه در یکی از فصلها با نقل برخی از سخنان معمر قذافی و ریشه‌یابی این سخنان و انتساب آنها به اسلام، اغراض خود را آشکار می‌کند. عدم درک باطن دیانت مقدس اسلام و اغراض خاص برخی از نویسندگان و محققان غربی نظیر گرهارد کسل من مانع درک حقیقت دین اسلام است. در این میان، آنها فقط با بزرگنمایی ضعفهای تاریخی و انحطاط کنونی جهان عرب و تحقیر اقوام آن، تئابیحی مغرضانه کسب می‌کنند. در این کتاب، برخی مطالب تاریخی قابل توجه وجود دارد، ولی نظریات نویسنده در مورد اعراب و اسلام دور از حقیقت است.

مؤلف یک فصل مهم را به «حکومت الله» اختصاص داده است. تأسیس پادشاهی سعودی و تطور آن و حوادثی که طی دو قرن اخیر در ارتباط با کشورهای عربی و به نام اسلام صورت گرفته و همچنین ارتباط عربها با اروپا و ماجرای جمال عبدالناصر و ناصریسم و پیروژه حکومت جهانی او اتورالسادات مهمترین مباحث کتاب را به خود اختصاص داده‌اند.

در شرح وقایع و تواریخ قوم عرب، شامل اقوام مختلف کشورهای نظیر مراکش، الجزایر، لیبی، مصر، عربستان سعودی، سوریه، لبنان، کویت، قطر، عمان، عراق و... شاید تنها سودان باشد که وضع خاصی دارد. در یک بخش به جنگی که میان مسلمانان و مسیحیان در جنوب آن کشور جریان دارد اشاره شده است.

این کتاب در قطع جیبی با بیش از ۴۰۰ صفحه و بهای ۱۲/۸۰ مارک به بازار کتاب آلمان عرضه شده است.